

شوک ناگهانی به اقتصاد آمریکا و ژاپن  
چه ابعادی دارد و چه مناطقی از دنیا را  
تحت تاثیر قرار می دهد

# شورش

# فناوری ورکود علیه بورس؟

۱۶



در بنگلادش چه خبر است؟

## سقوط تبعیض و غرب گرایی

### ساده سازی مرگ سیاست

یادداشت  
سید جواد نقوی  
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

متنی به قلم صادق الحسینی به نام مرگ سیاست منتشر شده که سعی کرده است نشان دهد مسأله اصلی امروز ایران؛ مسأله سیاست و مرگ سیاسی در ایران یک خطر مهم است. آسیب شناسی او در مقام یک فعال رسانه‌ای را باید تحسین کرد و از چنین متن‌هایی باید استقبال شود. ولی صادق الحسینی به صورت بنیادی در تفسیر خود از سیاست و شکل گیری آن دست به ساده سازی زده است. او سعی کرده نشان دهد متضرران بازی سیاست از ۱۰ میلیون فقیر جدید و ۲۰ میلیون از متولدین بازه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵ و ایضا ۴۴ میلیون از زنان و دختران ایران تشکیل می شوند و این گروه هستند که در بازی سیاست دخالت نمی کنند؛ به این خاطر که سیاست را عامل وضع فعلی خود می دانند و همین موارد باعث مرگ سیاست در ایران شده است. پیش فرضی که الحسینی به اشتباه به آن توجه نکرده در همین دسته متضرران بازی سیاست نهفته است. قبل از آنکه به دلایل فنی و تکنیکی او بپردازیم باید به یک نکته خیلی مهم توجه کنیم. اساسا سیاست زدایی مسأله‌ای نیست که بتوان با عنوانی به نام مرگ سیاست به ایران وا اشتباهات سیاست گذاری یک دهه اخیر ربط داد؛ بلکه عمق داستان مرگ سیاست و سیاست زدایی به بیش از سه دهه اخیر و در سیطره جهانی مربوط می شود؛ آنچنانکه آلن تورن، فیلسوف فرانسوی می گوید مادر دوره پارادایم جدید هستیم و در این سیطره جدید مسأله سیاست دیگر از فرم‌های آرمانی آن فاصله گرفته و به نوعی زیست و زندگی روزمره بدل شده است. به تعبیری سیاست در معنای اتوپیا یعنی خود دیگر معنی نمی دهد یا حداقل دیگر مثل گذشته نیست و این یعنی جوامع به صورت پیش فرض یک مقاومت ناخودآگاه در مقابل سیاست را به همراه دارند و زندگی شخصی خود را اولی تر از هر بعد سیاسی و اجتماعی می دانند و راه نجات از سختی‌های زندگی را فرار از ساخت سیاسی می دانند و نوع کشش و جنبش‌های اجتماعی جدید هم همین مسأله را نشان می دهد. مطالبات اجتماعی دیگر معنای خیر عمومی را نمی دهد و به نوعی مطالبه‌های شخصی شده بدل گردیده. در برابر این فرم جدید به نوعی بیونگ هان، فیلسوف آلمانی گروهی به درستی در کتاب طرد دیگری خود به ایده‌ای در سطح اجتماعی اشاره می کند که قطعاً الحسینی با آن آشنایی ندارد و این نکته تبدیل شدن امر خصوصی به امر عمومی است و این مسأله‌ای است که بیونگ هان حدود ۹۰ سال قبل بیان کرده است. به تعبیری این مسأله که به عصر پانترم‌های جدید بدل شده است صحنه اجتماعی را دچار دگرگونی کرده و نشان دهنده واقعیت‌های اجتماعی جدیدی است که دیگر امر عمومی مثل گذشته نیست. امر عمومی شکل دهنده نوعی فضیلت یا خیر عمومی به سادگی نمی تواند باشد، بلکه این امر خصوصی است که در شکل گیری هر امری در ساخت اجتماعی دخالت می کند و این تحول عظیم رویکرد ساده‌ای نیست که بخواهیم به آن بی توجهی کنیم. یعنی الحسینی تصور می کند سه موردی که

نظام رسانه‌ای کشور هم در بعد سیاست گذاری  
هم بعد نیروی انسانی با مسائل مهمی روبه‌روست

## روز خبرنگار را تبریک نگویند

۲



سریال خوش ساخت کمال تبریزی در فصل سوم با افت مواجه شد  
تلویزیون هم با پخش نامنظم و عدم تبلیغات به دیده نشدن یک اثر فاخر کمک کرد  
جفا به سرزمین مادری

رئیس دانشگاه آزاد در اجلاس مدیران گروه‌های کشوری حوزه مهندسی:  
باید از علوم مهندسی  
به فناوری مهندسی گذار کنیم

به آن بی توجهی کنیم. یعنی الحسینی تصور می کند سه موردی که بیان کرده است - صرفاً به جهت تکنیکی اگر دقت بیشتری در سیاست گذاری صورت می گرفت - یا حجم تحریم هاکمتر بود یا وضعیت دگرگون شده بود. شاید مسأله تحریم و سیاست گذاری در کیفیت شرایط فعلی اثر دارد اما به صورت کلی نمی توان مرگ سیاست را به عواملی به صورت های بسیار شفاف ربط داد و بعد نسخه‌های مشخصی هم تجویز کرد. الحسینی بهتر می داند ظهور مجدد پوپولیسم در آمریکا و غرب تا امریکای جنوبی همه و همه نشان از دگرگونی شدید ساخت اجتماعی و بلنگامی شدیدی است که به سیاست شکل گرفته و به سرعت در حال فریب شدن است. این موقعیتی نیست که بتوان به سادگی آن را حل کرد. برای درک بهتر موقعیتی که در آن قرار داریم باید کمی دقت بیشتری در یکی از آخرین آثار فوکویاما صورت بگیرد. فوکویاما در کتاب هویت خود به این دیدگاه اشاره دارد که درست است لیبرالیسم در فرم سیاسی توانسته شکله خود را گسترش داده و جهانی سازی را شکل دهد اما متوجه مسأله هویتی پایتربوگیم خرد روایت‌ها که باید همان روزمرگی و تکرار در نظر گرفت در حال اهمیت است و این بی توجهی باعث شده که جامعه آمریکا و سایر جوامع به درستی در شکل سیاسی نتوانند عمل کنند و این شرایط خود به نوعی نشان فرمی جدید را می دهد؛ یعنی جهان جدید بین حکمرانی و هویت دچار دگرگونی وسیعی شده است و دیگر نمی تواند حکمرانی را به دور زندگی روزمره اداره کند و خود نظم اولویت اداره و سیاست و زندگی روزمره دیگر معنی ندارد؛ چراکه امر خصوصی و هویتی خود را در سطح مطالبه عمومی گسترش داده و دیگر نمی توان به سادگی بیان کرد مطالبه دهه ۷۰ و ۸۰ و به نوعی مقایسه ملامتولدان این دهه با کشورهای مثل عربستان و سایر کشورها باعث شده این متولدین احساس نوعی تحقیر کنند؛ چراکه سیالیت متولدین این دهه‌ها ممکن است در راستای تغییرات هویتی جدید در هر مقطع مطالبه‌ای را برای زیست روزمره خود طلب کنند یا آینده ایران را به گونه‌ای مطلوب بدانند که در صحنه سیاسی امکان تحقق آن وجود نداشته باشد.

ادامه در صفحه ۱۵

۱۲